

دود کودتا در فضای ایران

(قسمت دوم)

امیرفیض- حقوقدان

قبل از ورود به قسمت دوم (کودتا در فضای سیاسی ایران)، اجازه می‌خواهد که قسمت نخست به پایانی قابل قبول برسد که بتوان آنرا به قسمت دوم ملحق ساخت.^۱

در قسمت اول این تحریر استناد به شهادت فارین پالیسی شد که هیئت مک فارلین هدف بزرگتری داشت و آن تفاهم با میانه روهای ایران بود.

اکنون بمناسبت اهمیت شهادت مزبور که پایگاه اصلی این تحریر است شواهد دیگری هم در جهت اصالت شهادت فارین پالیسی آورده میشود که بتواند سنگینی نتیجه گیری از این تحقیق را تحمل کند.

شاهد اول کمیسیون تاور

کمیسیون حقیقت یاب تاور که بدستورریگان در تاریخ ۱۹۸۶ برابر با ۱۳۶۵ درباره ایران گیت تشکیل شد در گزارش ۳۰۰ صفحه ای خود به هدف نهانی و قابل توجه هیئت ماک فارلین در ایجاد رابطه با میانه روها اشاره کرده است

شاهد دوم

نشریه کویتی المجتمع در گزارش خود نوشت >هدف از اجرای مک فارلین تغییرات حاکمیتی در ایران و بهره برداری از سوی آمریکا و همچنین تقویت جناح میانه رو ایجاد زمینه تفاهم با جمهوری اسلامی پس از خمینی است<.

شاهد سوم

آقای کمیجی مدیرکل وزارت اطلاعات اسرائیل به مک فارلین گفته است.

>مخالفان خمینی برای حفظ موقعیت خود در مقابل رادیکالها نیازه اسلحه دارند. بتازگی آن ایرانیان بما گفتند که آنها برای اینکه قدرت واقعی را بدست آورند نیازه حمایت خارجی دارند و به باور آنها این حمایت را تنها کشوری میتواند بکند که توانائی لازم را برای چنین حمایتی داشته باشد و آن کشور آمریکاست (صفحه ۱۹ و ۲۰ مک فارلین)

شهادت شهود نشان میدهد که هدف هیئت مک فارلین در ایجاد رابطه با میانه روهای ایران نیازه واسطه ایرانی داشته است و همان شهادت ها نیز تائید میکند که حسن روحانی بعنوان یک کارگزار مورد اعتماد

هیئت مک فارلین وارد عمل میشود درحدی که مک فارلین از او بعنوان یک تافته جدا بافته و مورد اعتماد و خوب یاد میکند.

اولین خدمت روحانی به آمریکا

دوروزی از نزدیکی محرمانه روحانی و مک فارلین نگذشته بود که روحانی اولین دستاورد همکاری خود با آمریکا را به مک فارلین تقدیم کرد (مدت اقامت هیئت مک فارلین در ایران ۵ روز بود)

شاهد میگوید

[روحانی در دیدار با مک فارلین ضمن انتقاد از سخنان روز گذشته آیت الله خمینی میگوید: <خمینی در مقابل دشمن قدرتمند عقب نشینی میکند (دشمن قدرتمند سبب عقب نشینی او میشود)> آمریکا در مقابله با آیت الله خمینی خطا رفته است، اگر آمریکائیا با خمینی برخورد محکم تری کرده بودند دست بالا را داشتند]

گزینه نظامی روی میز است

عمل شیخ حسن روحانی در هدایت آمریکا به موضع روحی خمینی، ایجاد استعداد موثر برای دشمن محسوب میشود؛ آشنائی دشمن به روحیه رهبر و فرماندهان و کیفیت زندگی و مورد عشق و علاقه آنها و اعتیاد و دوستان و نزدیکان حتی نوع خورد و خوراک و محل خرید مواد خوراکی و اسباب زندگی همه و همه دردنیای امروز و قدیم وسیله موفقیت برای طرف بوده است و بهمین جهت قانون مجازات کشورها آنرا خیانت به دولت و کشور میدانند و در مواردی جرم جاسوسی شناخته میشود.

(بنابر گزارش سازمان اطلاعات جمهوری اسلامی در سال ۸۵ منوچهر قربانی فر، گزارشی از وضع سلامتی خمینی به مایکل لدین داده است).^۲

اسلام هم به موضوع و اهمیت حفظ اسرار حکومتی بی توجه نمانده و آماده است:

<خبری که بعلت مسئولیت شخص در اختیار او قرار میگیرد امانت نظام است و حفظ آن، امانت محسوب و سوء استفاده از آن، خیانت در امانت است>

آمریکا با استفاده از اطلاعاتی که روحانی از روحیه خمینی دریافت داشت، آنرا در مذاکرات اتمی با ایران دقیقاً بکار بست و آنجا که گاه و بیگاه اعلام میکنند گزینه نظامی روی میز است، به اعتبار همان اطلاعاتی است که از روحیه خمینی و بطور کلی جمهوری اسلامی بدست آورده است.

بطور حتم مشاور اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی و رئیس کمیسیون سیاست خارجی مجلس (روحانی) که حقوق راهم خوانده است میدانسته که افراد کشور حق ندارند اطلاعات خصوصی و روحیه روسای کشور خود را فاش کنند تا چه رسد مشاور اول سیاست خارجی کشور.

^۲ - مجاهدین خلق (ضد خلق) بارها و بارها نقشه راه ها و محل کارخانه های نظامی، محل آزمایشگاه های هسته ای و خیلی آگاهی های دیگری به صدام حسین و آمریکا و اسرائیل داده اند. ح-ک

وقتی یک آدم معمولی چنین اطلاعی به دستگاه های اطلاعاتی کشورهای خارج میدهد با آنکه از آن استفاده میکنند ولی اهمیت آنکه این اطلاع را مشاور اول سیاست خارجی جمهوری اسلامی میدهد وزن و اعتبار اجرایی دیگری دارد.

تحقیق در کنار نتیجه، این هدایت رامیدهد که شیخ حسن کاملا آگاه بوده که عملش جرم و جنایت و خیانت به کشور و نظام است و از ارزش آنهم برای آمریکا غافل نبوده و بهمین اعتبار خواسته است آن اطلاع حساس را بعنوان شروع همکاری به مک فارلین داده باشد چراکه مک فارلین هم به ارزش آن اطلاع، کاملاً آگاه بوده است. آغاز روابط شیخ حسن با آمریکا باهمین خوشخدمتی آغاز شده است.

تاقبل از اینکه روحانی چنین اطلاعی رابه آمریکا بدهد همه جا و در رسانه های گروهی خارجی صحبت از مقاومت و سرسختی و تسلیم نشدن خمینی بود و آمریکا هم استراتژی برخورد با خمینی و جمهوری اسلامی روی اطلاعاتی که نسبت به سرسختی خمینی داشت تنظیم میکرد ولی خدمت روحانی به آمریکا آن کشور را با حقیقتی روبرو ساخت که خدمت روحانی سبب ساز آن شد و لاجرم استراتژی گزینه نظامی روی میز است < بکار بسته شد.

حد اعتماد به روحانی

باورکردنی نیست، لاقلاً برای این تحریر قابل قبول نمیشد که شیخ حسن روحانی با همان جمله ای که در بیان روحیات خمینی به مک فارلین گفته است آن چنان ایجاد اعتمادی در ماک فارلین شده باشد که مک فارلین روحانی را بعنوان یک تافته جدا بافته و متمایز از دیگران یافته باشد.

آخر مگر نه این است که مک فارلین خودش از اعضای شورای امنیت ملی آمریکا یعنی یک فرد کارگشته سیاسی و اطلاعاتی است و آدمی نیست که بظاهر بایکی دوجمله فریب گیر شود؛ پس نمیتوان قانع شد که همان اطلاعات راجع به روحیه خمینی سبب چنین اتکائی از ناحیه مک فارلین به روحانی شده است.

مسئلاً قرار و مدار هائی بوده که فاش نگردیده و آنهاست که از اسباب توجه و اطمینان ماک فارلین به شیخ حسن گردیده است؛ در شهادت شاهد دوبار اشاره به گفتگوهای محرمانه بین مک فارلین و روحانی شده است ولی هیچگاه معلوم نشده که آن گفتگوها در چه باب بوده است.

عنوان تافته جدا بافته

عنوان اعتماد ساز < تافته جدا بافته > که مک فارلین به شیخ حسن داده بی عوض نماند و شیخ حسن هم آمریکا را کدخدا نامید.

عنوان < تافته جدا بافته > که مک فارلین درباره شیخ حسن روحانی بکار برده در فرهنگ تشیع اختصاص به حسین بن علی دارد و مفهومی این است که حسین بن علی تنها فردی است که مطیع امر خداست. و بکار بردن آن جمله از طرف مک فارلین به معنای یافتن یک ایرانی است که ساختمان فکری او با فرهنگ ایرانی متفاوت بوده و کاملاً در اختیار آمریکا خواهد بود، (اصطلاح - در اختیار آمریکا خواهد بود و یا فلانی خیلی آمریکائی است در اسناد سفارت سابقه زیاد دارد از جمله درباره امیرانتظام که آمریکائی ها گفته اند < امیرانتظام تابخواهی آمریکائی است >).

لازم به اشاره است که در اسناد سفارت آمریکا هم کسانی که خود رادخدمت به آمریکا قرار میدادند برای جلب اعتماد آمریکا یک بسته اطلاعاتی دروغ و راست به مامورین آمریکائی میدادند و از آنجا که منتقل کننده آن اطلاعات به مراجع اطلاعاتی مسنول صحت و سقم آن اطلاعات بود مامورین آمریکائی ناچار میشدند که برای صحت سقم آن اطلاعات از دستگاه دروغ سنجی استفاده کنند؛ ولی اینکه مک فارلین بدون طی مراتبی برای تشخیص و راست آزمائی شیخ حسن اطلاعات او را ارج داده مسسما علاوه بر شخصیت روحانی بعنوان مشاور ارشد سیاست خارجی جمهوری اسلامی مراتب و قرائنی وجود داشته که از نظر مک فارلین با تجربه نیازی به شک در آن باقی نبوده است.

زائده بجا

قابل توجه اینکه روحیه ای که شیخ حسن از خمینی بتعریف آورده مصداق روحیه تمام آخوند های شیعه است؛ نمونه اول آن خود شیخ حسن است که دیدیم وقتی مطلبی درباره حجاب و بهشت گفت آخوند جنتی چنان توی دهنش زد که فوراً عقب نشینی کرد و باز وقتی درباره سپاه پاسداران اتهام تفنگ و سرمایه و رسانه را به آنها وارد ساخت با اعتراض فرمانده سپاه جازد و مثل بچه ها گفت مقصودم سپاه نبوده است.

آخوند جماعت هر زمان که با قدرت روبرو شود تقیه میکند تا سلامت بماند مقصودم این است که عقب نشینی خوند از نظر خودشان یک کار شرعی و اسلامی است و تحقیر بردار نمیباشد.

روحیه آخوند به عبارت اینکه توقع ندارد که برخلاف حرفش حرفی زده شود و یا عملی صورت گیرد ناشی از روابطی است که ما برای آنها قائل میشویم؛ وقتی ما به آخوند عنوان آیت الله میدهیم معنای آن این است که آن آخوند مرجع تقلید ماست و رابطه مرجعیت در مذهب تشیع چنین است که متشیع باید پیروی از مراجع تقلید باشد بنابراین رابطه مزبور که ما خودمان تسلیم و برپاکننده آن هستیم اجازه نمیدهد که ما خلاف تدبیر و تصمیم و فتوای مراجع اقدامی بنمائیم.

زائده بالا بدان سبب به مصرف آمد تا آنها که مثل نقل و نبات از او آیه آیت الله برای این سگهای بیگانه پرست استفاده میکنند به تامات و آثاران واقف باشند.

(پایان زائده)

ادامه شهادت

[در این جلسات مردی که اکنون مقامات آمریکائی از او به عنوان بهترین امید برای ایجاد رابطه حسنه با ایران پس از سه دهه خصومت یاد میکنند، خود را بعنوان مذاکره کننده ای زیرک و زرنگ بنمایش گذاشت]

این شخص همانطور که از شهادت شاهد معلوم شده شیخ حسن روحانی است که اولاً بهترین امید آمریکا برای ایجاد رابطه حسنه با ایران پس از سه دهه میباشد و ثانیاً شیخ حسن خود راشاخص مذاکرات و تصمیمات قرارداده است و دیگر اینکه مقامات شیخ حسن ایجاب میکرده که او بهترین کانال اطلاعاتی و عملیاتی برای آمریکا در ایران باشد.

فراموش نشود که بهترین امید آمریکا که در اظهارات شاهد منتسب به روحانی شده همان ایجاد رابطه و انتقال قدرت حکومت ایران به میانه روهاست.

شهادت دیگر

[اگر پنجره ای برای اطلاع یافتن از چگونگی تفکر روحانی وجود داشته باشد و اینکه وی چه رویکردی بر روند مذاکرات هسته ای ایران خواهد داشت آن پنجره، همان چند روز ماه می بازمیشود که روحانی گفتگوهای مهمی با آمریکاییها بر سرگروگان ها و آینده مشترک دو کشور داشته است]

شهادت، بسیار مهم و کلیدی است

اینکه شاهد کیفیت و چگونگی تفکر روحانی رانسبت به رویکرد مذاکرات هسته ای به همان ملاقاتهای مک فارلین و روحانی در سال ۱۳۶۵ مربوط میدانند، یعنی چه؟ و به چه مناسبتی این برداشت شاهد منظور شده است؟

ظاهرا در سال ۶۵ مسئله فعالیت اتمی ایران بطور جدی مطرح نبوده و در دستور کار مک فارلین هم هیچ بحثی راجع به فعالیت اتمی نبوده که شاهد بین آن مذاکرات کوتاه مدت و محرمانه با مذاکرات ژنو و توافقنامه مربوطه قائل به ارتباط آنها ارتباط منحصر بفرد بشود؛ (دید پنجره ای، یعنی دید مطلق و قابل اعتبار).

پاسخ این ابهام را میتوان در همان هدف هیئت مک فارلین که سیاست تفویض اقتدار حکومت ایران به میانه روها دانست.

اجرای چنین سیاسی دوراه بیشتر ندارد یا مسلح ساختن میانه روها که طرحی عقیم و ناکارشناخته میشود و دوم برنامه ریزی سیاسی که در طول مدت بطور رسمی و طبیعی و از طریق انتخابات میانه روها به قدرت برسند.

موفقیت در طریق دوم، نیاز به اسباب خاصی دارد که بتواند جمهوری اسلامی را در چنان موقعیت سیاسی و اقتصادی قرار دهد که قدرت حاکم در جمهوری اسلامی احساس کند که باید با سیاست جدید آمریکا در همکاری با میانه روها کنار بیاید.

تحریر حاضر ادعا نمیکند که برداشتی را که ارائه میدهد خالص و بی غل است ولی حاصل تحقیقات و تفحص در آنچه که میتوانسته و به آن دسترسی داشته باشد، اینک در مقام تقدیم است.

برداشت تحقیقی

* اولین باری که مسئله انرژی هسته ای در جمهوری اسلامی مطرح شد در ۲۶ خرداد سال ۵۸ بود که روزنامه انقلاب اسلامی مقاله ای نوشت به این معنا که ایجاد نیروگاه هسته ای در ایران بعلت اینکه ایران فاقد معادن اورانیوم است سبب وابستگی ایران به کشورهای خارج خواهد شد و این خیانت به ملت است.

پس از آن مقاله تا سال ۲۰۰۲ دیگر صحبتی از انرژی اتمی در کشور نبود و در این سال بود که نیویورک تایمز برای اولین بار نوشت که تلاشهای سرویسهای اطلاعاتی آمریکا و انگلیس و اسرائیل منجر به کشف مراکز فعالیت های هسته ای جمهوری اسلامی شد که بعدا خبر مزبور به ناراضیان جمهوری اسلامی (مقصود مجاهدین خلق) نسبت داده شد.

پس میتوان این حقیقت رابه حساب برداشت تحقیق گذاشت که جمهوری اسلامی در سالی که هیئت مک فارلین به ایران آمد به فعالیت های هسته ای بطور مخفی اشتغال داشته است دلیلی که به این برداشت کمک اطمینانی میدهد این است که از سال ۱۳۶۸ یعنی دو سال بعد از ورود هیئت مک فارلین به ایران حسن روحانی در مقام دبیر شورای امنیت ملی جمهوری اسلامی و رئیس تیم هسته ای ایران و مذاکره کننده ارشد آن با سه کشور اروپائی آلمان و فرانسه و انگلستان بوده است.

یعنی در آن زمانی که تیم مک فارلین به ایران آمد حسن روحانی در جریان فعالیت های اتمی ایران بوده است که رئیس تیم مذاکره کننده هسته ای ایران شده.

اولین برداشت تحقیق

اولین برداشتی که ظهور خود را مشخصا ارائه میدهد این است که اطلاعات فعالیت اتمی ایران که روزنامه نیویورک تایمز به حساب سرویسهای اطلاعاتی آمریکا و اسرائیل و انگلیس گذاشته بوسیله همین شیخ حسن به مک فارلین داده شده و ارزش و اعتبار این خبر بوده که مک فارلین را شیخ حسن ساخته است. چنین عملی به هیچوجه از شیخ حسن بعید نیست به دلالتی از جمله اینکه اول اینکه کسی که بدون مقدمه و درخواست و یا معامله، اطلاعات روحی خمینی آنهم کسی که شیخ حسن حضور خود را در جامعه سیاسی مدیون اوست و سالها در شهرستان ها برای او تبلیغ میکرده و او را امام بحق میدانسته در اختیار بیگانه دشمن ایران میگذارد نه تنها قبیح عمل برایش مهم نیست بلکه میل به دادن خبر و خود شرینی و نزدیکی با طرف مستفیض از خبر، بصورت یک عادت برایش بوده است.

دوام اینکه شخصی که با آن مهارت با نام مستعار اطاقی در هتل هیلتون کنار اطاق مک فارلین میگیرد و از جو آن زمان، هیچ وحشتی نداشته و در حقیقت کاری بسیار متهورانه برای نزدیکی با آمریکانیها کرده است ادامه آن حرکت فوق العاده جاسوسی، نشانی از فعالیت های خیلی بیشتر و شناخته و ناشناخته برای آمریکا میتواند به حساب آید که یکی از آنها همان اطلاع از فعالیت اتمی ایران بوده است، اگر روزی گفتگوهای محرمانه مک فارلین با روحانی فاش شود معلوم خواهد شد چه اطلاعاتی در اختیار آمریکا گذارده شده که یکی از آنها همین اطلاع از فعالیت های پنهانی اتمی جمهوری اسلامی بوده است.

حاشیه – مک فارلین بعد از نجات از خود کشی اکنون مشاور سیاسی حزب جمهوریخواه آمریکاست (پایان)

دومین برداشت تحقیق؛

بماند به تحریر ویا تحریرات اتی